



## علوم حدیث و آسیب شناسی فهم حدیث

نگاهی گذرا به پیشینه علوم حدیث، نشان می دهد که این دانشها به یکباره شکل نیافته اند، بلکه در گذر زمان، حل هر مشکلی از مشکلات حدیثی در پی خود علمی را پدیدار ساخت و بدین صورت شاخه ها و علوم گوناگونی به جرگه علوم حدیثی پیوستند.

ابن خلدون (م ۸۰۸ق) در فصل ششم از باب ششم مقدمه تاریخش با اشاره به کثرت و تنوع علوم حدیث از هشت دانش نامبرده است: علم ناسخ و منسوخ، علم رجال و معرفه الرواه، علم اصطلاحات حدیثی، علم متون حدیث، علم به شرایط نقل، فقه الحدیث (شرح الحدیث)، غریب الحدیث و المؤلف و المختلف (۱).

سیوطی (۹۱۱ق) از حازمی نقل می کند که علوم حدیث به بیش از صد نوع می رسد (۲). ابن صلاح (۶۴۳ق) و نووی آن را ۶۵ نوع دانسته اند و بیش از این هم قابل تنوع می دانند. سیوطی در تدریب الراوی می گوید:

اعلم ان انواع علوم الحدیث کثیره لا تعد... و قد ذکر ابن الصلاح منها - و تبعه المصنف - خمسۀ وستین، و قال: ولیس ذلك بأخر الممكن فی ذلك، فإنه قابل للتنوع الی ما لا یحصی: احوال رواه الحدیث، وصفاتهم، و احوال متون الحدیث، وصفاتهم، و ما من حاله منها و لا صفه إلا وهی بصد ان تفرد بالذکر و اهلها، فاذا هی نوع علی حواله (۳)؛ بدان انواع علوم حدیث بسیار است و به شمار نیاید. ابن صلاح و به پیروی از او مصنف (نووی)، ۶۵ نوع از آنها را ذکر کرده و گفته است: این مقدار تمامی آنچه در این زمینه ممکن است، نیست؛ زیرا دانش حدیث به گرایشها و زیرمجموعه های زیادی تقسیم پذیر است؛ مانند: حالات و صفات راویان حدیث، چگونگی متون حدیثی و ویژگیهای هر یک. و شایسته است هر یک از این حالات و صفات جداگانه ذکر و بررسی شود. بنابراین، هر یک، نوعی مستقل (از انواع علوم حدیث) است. گرچه مسائل و متعلقات حدیث متنوع و بسیار فراوان است، به نظر می رسد مسائلی که بر گرد یک محور می چرخند و علم مستقلی را تشکیل می دهند، چندان زیاد نیستند و نمی توان هر کدام از مسائل خاص حدیثی را علم حدیثی مستقل به حساب آورد. بنابراین می توان علوم حدیثی را در آغاز به دو بخش کلی نظری و تطبیقی (کاربردی) تقسیم کرد.

### \* علوم نظری و کاربردی حدیث

چنان که گذشت در یک تقسیم کلی علوم حدیث بر دو گونه است:

الف. علوم حدیث کاربردی (تطبیقی)، که خود بر سه قسم است.

ب. علوم حدیث نظری (۴)، این نیز خود بر پنج قسم است که در پی خواهد آمد.

علوم حدیث کاربردی: ۱. روایه الحدیث ۲. علم رجال ۳. فقه الحدیث

علوم حدیث نظری: ۱. فلسفه ی علوم حدیث ۲. تاریخ حدیث ۳. مصطلح الحدیث (درايه الحدیث) ۴. اصول رجال الحدیث ۵. اصول فقه الحدیث

- علوم حدیث کاربردی از این قرار است (۵):

\*\* ۱. روایه الحدیث:

علمی است که به روایت، ضبط و نوشتن گفتار، کردار، تقریر و صفات پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام می پردازد (۶).



## \*\* ۲. علم رجال:

علمی است که در آن از حالات راویان حدیث از نظر برخورداری شرایط پذیرش خبر، بحث می شود. علامه مامقانی در تنقیح المقال می گوید: «إنَّه علمٌ یُبْحَثُ فیهِ عن احوالِ الراوی من حیث اتصافِهِ بشرائطِ قبولِ الخبرِ و عدمِهِ» (۷)؛ علم رجال علمی است که در آن از حالات راوی، از نظر برخورداری بودن یا نبودن او از شرائط قبول خبر بحث می گردد.

علم رجال خود گرایشهایی دارد که عبارتند از: الف. رجال الحدیث (راوی شناسی)؛ ب. فهرست شناسی؛ ج. مشیخه شناسی؛ د. طبقات (طبقه شناسی)؛ هـ. تراجم (شرح حال نگاری)؛ و. علم الاسناد (۸).

## \*\* ۳. فقه الحدیث:

علمی است که به بررسی دلالت‌های متن حدیث (از جهت عام و خاص، مجمل و مبین و تعارض و... شرح معنای الفاظ حدیث به هدف کشف مراد آن) می پردازد (۹). این دانش گرایشهایی دارد که برخی از آنها عبارتند از: الف. علل الحدیث؛ ب. مختلف الحدیث (علاج الحدیث)؛ ج. غریب الحدیث؛ د. ناسخ الحدیث؛ هـ. مشکل الحدیث؛ و. نقد متن الحدیث؛ ز. اسباب ورود الحدیث.

- علوم نظری حدیث عبارتند از:

## \*\* ۱. فلسفه ی علوم حدیث:

دانشی که با نگاه بیرونی به شناسایی و تحلیل مجموعه ی علوم حدیث (به عنوان یک کل) می پردازد.

## \*\* ۲. تاریخ حدیث:

علمی است که سرگذشت حدیث را از آغاز پیدایش تا زمان حاضر و تحولات آن در ادوار گذشته و نیز چگونگی پیدایش و گسترش علوم و فنون مربوط به آن را دربردارد. (۱۰)

## \*\* ۳. مصطلح الحدیث (درایة الحدیث):

دانشی که در آن از اصطلاحات مربوط به سند، متن و نیز شرایط، انواع و احکام آن و چگونگی فراگیری و آداب نقل حدیث بحث می شود.

شیخ بهایی می نویسد: «علمُ الدرایة، علمٌ یُبْحَثُ فیهِ عن سندی الحدیث و متنیهِ و کیفیةً تحمُّلهً و آدابِ نقلِهِ». دانش درایه علمی است که در آن از سند و متن و چگونگی تحمل و آداب نقل حدیث بحث می شود. (۱۱)

استاد عبدالهادی فضلوی می گوید: این دانش، نامهای متعدد دارد، چون: «علم الحدیث، درایة الحدیث، مصطلح الحدیث، قواعد الحدیث و اصول الحدیث»، وی می افزاید: «كلِّها تعنی معنی واحداً» (۱۲).

## \*\* ۴. اصول علم رجال:

دانشی است که به بیان مقدمات و مبادی تصویری و تصدیقی رجال الحدیث می پردازد.

## \*\* ۵. اصول فقه الحدیث:

علمی است که به بیان مقدمات و مبادی تصویری و تصدیقی فقه الحدیث می پردازد. به دیگر سخن این دانش مفاهیم و اصول عمومی فهم متن (شرایط ایجابی و سلبی) را بررسی می کند و به روش شناسی فهم حدیث و آسیب شناسی آن می پردازد.



بنابراین، آسیب شناسی فهم حدیث از جمله ی علوم نظری حدیث و زیرشاخه ی اصول فقه الحدیث به حساب می آید. توضیح آن که فقه الحدیث نامی مرکب از معنای لغوی فقه (فهم عمیق) (۱۳)، و معنای اصطلاحی حدیث (گزارشگر قول، فعل و تقریر معصوم) (۱۴) می باشد. بنابراین، فقه الحدیث یعنی فهم عمیق، درک استوار و شناخت ژرف از حدیث. اما به نظر می رسد در اصطلاح بر دو گونه است:

الف. فقه الحدیث کاربردی (تطبیقی)؛

ب. فقه الحدیث نظری یا اصول فقه الحدیث.

در سده های اخیر، در کنار فقه الحدیث کاربردی دانش فقه الحدیث دیگری زاییده شد که در خدمت فقه الحدیث کاربردی به بیان مقدمات، مبانی و اصول آن می پردازد و می توان آن را فقه الحدیث نظری یا اصول فقه الحدیث نامید. در حقیقت، فقه الحدیث نظری همان منطق فهم و تفسیر حدیث است که با ارائه مبانی و اصولی که از قواعد ادبی، اصولی، کلامی و دیگر قوانین عقلایی به دست آمده است، ما را به فهم ژرفتر و مقصود اصلی گوینده ی حدیث نزدیک می سازد.

فقه الحدیث نظری به پرسشهایی از این دست پاسخ می دهد: تعریف، موضوع و فایده ی فقه الحدیث چیست؟ چرا به دانش فقه الحدیث نیازمندیم؟ پیش نیازهای فهم حدیث چیست؟ معیارهای نقد حدیث چیست؟ رفع تعارض میان اخبار چگونه است؟ آفات و موانع فهم حدیث کدام است؟...

بنابراین، علم فقه الحدیث بر دو گونه است: بخشی کاربردی که باید به کتب فقه الحدیثی مانند روضه المتقین از محمدتقی مجلسی، مرآة العقول و ملاذ الاخیار از محمدباقر مجلسی، و سایر کتب شرح الحدیثی و نیز عموم مباحث فقهی که برای استنباط احکام شرعی از روایات استفاده شده، مراجعه نمود. بخش دیگر نظری و مقدماتی است که به مبادی تصویری و تصدیقی فقه الحدیث کاربردی می پردازد که در کتابهایی مانند منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی از صلاح الدین بن احمد الأدلبی، مقایس نقد متون السنه از مسفر عزم الله الدمینی، روش فهم حدیث از عبدالهادی مسعودی، اصول و قواعد فقه الحدیث از محمدحسن ربانی، بدان پرداخته شده است. با این همه به مباحث فقه الحدیث نظری و جایگاه آن، چنان که باید، توجه نشده است و منابع مستقل در این باب بسیار اندک است؛ گرچه منابع ضمنی بیش از آن است (۱۵). این موضوع عنایت بیشتر عالمان حدیث پژوه را می طلبد. نمونه ای از مباحث فقه الحدیث نظری عبارت است از: تعریف، موضوع و فایده ی فقه الحدیث، انگیزه ی پیدایش فقه الحدیث، پیشینه و سیر تطور آن، اهمیت و نیازمندی به دانش فقه الحدیث، پیش نیازهای فهم حدیث، شرایط فهم حدیث، معیارهای نقد حدیث و آفات و موانع فهم حدیث.

فقه الحدیث کاربردی، علمی است که از حالات مختلف متون احادیث؛ مانند عام و خاص، مطلق و مقید و تعارض... بحث می کند و به بررسی متن حدیث می پردازد. موضوع این دانش متون احادیث و غرضش تبیین مقصود و مراد متون روایات و در نتیجه تشخیص وظیفه ی علمی و عملی ماست. (۱۶)

با توجه به تعریف فقه الحدیث، فهم حدیث با رفع موانع و ایجاد مقتضیات زمینه ساز فهم، سامان می یابد. از این رو، باید موانع و مقتضیات فهم حدیث را به درستی شناخت تا با این شناخت بستر مناسب فهم حدیث را فراهم آوریم.



به نظر ما آسیب شناسی فهم حدیث در کنار روش شناسی فهم آن، دو شاخه ی مهم و به منزله ی دو بال برای فقه الحدیث است. آسیب شناسی فهم حدیث، تبیین موانع و مشکلات فهم حدیث و حل آن را به عهده دارد. اگر آنچه کار فهم را دشوار می سازد، شناخته و رفع نگردد و نیز آنچه زمینه های فهم را هموار می نماید، دریافته و فراهم نشود، تلاشها و زحمتهای برای فهم حدیث بی ثمر یا کم ثمر خواهد بود.

بسیاری از تلاشها و اقدامات برای فهم حدیث به دلیل عدم توجه به موانع و آسیبها یا فقدان دریافت درست از پیچیدگیهای امر فهم حدیث، به نتیجه ی مطلوب نمی رسد یا کم نتیجه می دهد و چه بسا گاه به نتایج معکوس منجر می شود. از این رو، پرداختن به آفات و موانع فهم حدیث، از عمده ترین مباحث حدیث پژوهی است.

بنابراین، حق آن است که حدیث مادر علوم اسلامی است؛ لکن این بدان معنا نیست که این پدیده با همه ی اهمیتی که دارد، بی نیاز از مطالعات آسیب شناسانه است؛ بلکه به خاطر اهمیتی که دارد؛ می بایست آن را به عنوان یک پدیده ی بسیار مهم و حساس، مورد آسیب شناسی و مطالعه قرار داد.

پی نوشتها:

۱. عبدالرحمن بن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱ (مقدمه)، تحقیق خلیل شحاده و سهیل زکار، ص ۵۵۶.
۲. جلال الدین سیوطی، تدریب الراوی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، ج ۱، ص ۵۳؛ «قال الحازمی فی کتاب العجالة؛ علم الحدیث یشتمل علی انواع کثیرة تبلغ مائة، کل نوع منها علم مستقل لو انفق الطالب فیه عمره لما ادرک نهایته»؛ حازمی در کتاب «عجالة» می گوید: دانش حدیث انواع زیادی را دربرمی گیرد که به بیش از صد نوع می رسد و هر یک از آنها دانش مستقلی است که اگر دانشجویی تمام عمرش را در شاخه ای از آن صرف کند، به پایان نخواهد رساند.
۳. عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری، مقدمه ابن الصلاح، تحقیق ابوعبدالرحمن صلاح بن محمد، ص ۱۳. درخور توجه است که سیوطی نیز در تدریب الراوی، عدد علوم حدیث را به ۹۳ نوع رسانده است. جلال الدین سیوطی، تدریب الراوی، ص ۳۹۹.
۴. مقصود از علوم حدیث نظری آن دسته از دانشهای حدیثی است که به مثابه ی مقدمه ای در خدمت علوم حدیث تطبیقی (کاربردی) است و به بیان مقدمات، مبانی و اصول آن می پردازد.
۵. ر.ک: صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۰۷؛ کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص ۷-۸؛ همو، درایه الحدیث، ص ۴؛ مهدی مهریزی، آشنایی با متون حدیث، ص ۱۳؛ همو، دانش های حدیثی گذشته، حال، آینده، سرمقاله مجله علوم حدیث، شماره ۱۶، تابستان ۷۹، ص ۲۲.
۶. سیوطی به نقل از ابن اکفانی (شمس الدین محمد بن ابراهیم بن ساعد انصاری (م ۷۹۴ق) نویسنده ی کتاب ارشاد القاصد الی أسنی المطالب) می نویسد: «علم الحدیث الخاص بالروایة: علم یشتمل علی أقوال النبی صلی الله علیه و آله و أفعاله و روایتها و ضبطها و تحریر الفاظها». جلال الدین سیوطی، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴؛ محمد جمال الدین قاسمی، قواعد التحدیث، ص ۷۵؛ نورالدین عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۳۰؛ ظفر احمد تهنوی، قواعد فی علوم الحدیث، ص ۲۲. روایة الحدیث، دانشی است که اقوال و افعال پیامبر و نیز روایت و ضبط و نوشتن الفاظ آنها را دربردارد. دکتر محمد عجاج الخطیب گفته است: «علم الحدیث روایةً هو العلم الذی يقوم علی نقل ما أضيف إلی النبی صلی الله



علیه و آله من قول او فعل او تقریر او صفة حَلْقِيَةٌ أو حُلُقِيَةٌ». محمد عجاج الخطیب، اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۷؛ نیز ر.ک: عبدالکریم زیدان و عبدالقهار وارد عبدالله، علوم الحدیث، ص ۷، به نقل از: محمد رحمانی، بحث های مقارن در علم حدیث (۱)، مجله علوم حدیث، شماره ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۷۲. روایة الحدیث، دانشی است که درباره ی آنچه به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده می شود، اعم از قول، فعل، تقریر و صفت ظاهری جسمی یا خلق و خوی آن حضرت بحث می کند.

۷. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، مقام اول، مقدمه، ص ۱۷۳؛ نیز ر.ک: علی علیاری، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۱، ص ۴؛ جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۹؛ صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۰۹؛ علی خامنه ای، ص ۶؛ حسن صدر، نهاییه الدرایه، ص ۲۳.

۸. نامهای دیگر علم رجال به معنای اعم آن عبارتند از: علم اسماء الرجال، تاریخ الرواة، تاریخ الرجال، تاریخ المحدثین، معرفة الرجال الممدوحین و المذمومین، الطبقات، المشیخة، الفهرس، علم الجرح و التعديل.

۹. در این باره علامه محمد محسن تهرانی (آقابزرگ) می نویسد: فقه الحدیث علمی است که از شرح لغات حدیث و بیان حالات آن از جهت نص یا ظاهر بودن، عام یا خاص، مطلق یا مقید، مجمل یا مبین، معارض یا غیرمعارض، بحث می کند. محمد محسن تهرانی (آقا بزرگ)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۸، ص ۵۴؛ زین العابدین قربانی، علم حدیث و نقش آن، ص ۱۸. مؤلف علوم الحدیث می نویسد: «فقه الحدیث، علم یبحث فی المعنی المقصود من متن الحدیث قولاً کان أو فعلاً أو تقریراً مبنیاً علی القواعد علوم الحدیث، ص ۴۶ به نقل از: طاش کبری زاده، مفتاح السعادة و مصباح السیاده، ج ۲، ص ۱؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۶۳۵؛ فقه الحدیث علمی است که از معانی مقصود از متن حدیث، اعم از گفته، فعل و تقریر مبتنی بر قواعد و اصول مخصوص به این فن، بحث می کند.

۱۰. کاظم مدیرشانه چی، تاریخ حدیث، ص ۸.

۱۱. محمد بن حسین بهایی، الوجیزه، ترجمه ی محمد مرعشی، ص ۱۰؛ حسن صدر، نهاییه الدرایه، ص ۷۹ و نیز ر.ک: زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، الرعایه فی علم الدرایه، تحقیق حسین بقال، ص ۴۵؛ جعفر سبحانی، اصول الحدیث و احکامه، ص ۱۴؛ ابراهیم آلکلیب، مهمات علوم الحدیث، ص ۴۷؛ نورالدین عتر، منهج النقد، ص ۳۲؛ عبدالله مامقانی، مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۴۱؛ کاظم مدیر شانه چی، درایه الحدیث، ص ۵. مؤلف کتاب علوم الحدیث می نویسد: «مصطلح الحدیث، هو علم یعرف به حقیقه الروایة و شروطها و أنواعها و أحكامها و حال الرواة و شروطهم و اصناف الروایات و ما یتعلق بها». عبدالکریم زیدان، علوم الحدیث، ص ۷؛ علمی است که به وسیله آن، حقیقت روایت و شرایط، انواع و احکام آن و نیز احوال و شرایط روایان و همچنین اقسام روایات و آنچه که مربوط به روایات است، شناخته می شود.

۱۲. عبدالهادی فضلای، اصول الحدیث، ص ۹؛ محمد عجاج خطیب، اصول الحدیث و علومه و مصطلحه، ص ۹؛ مهدی مهریزی، دانش های حدیثی گذشته، حال، آینده، سرمقاله مجله علوم حدیث، شماره ۱۶، تابستان ۷۹، ص ۱۹.

۱۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۲؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۴۶۵.



۱۴. عبدالله مامقانی، مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۵۶؛ ابوالقاسم قمی، القوانین فی الاصول، ص ۴۰۸؛ صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۱۵؛ زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، الرعاية فی علم الدرايه، ص ۵۰؛ محمد جمال الدین قاسمی، قواعد التحدیث، ص ۶۲؛ جلال الدین سیوطی، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳.

۱۵. محققان در کتب فقهی، اصولی و تفسیری خود در ذیل روایات، متعرض برخی از مبانی و ضوابط فقه الحدیث شده اند.

۱۶. محمد محسن تهرانی (آقابزرگ)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۸، ص ۵۴؛ زین العابدین قربانی، علم الحدیث و نقش آن، ص ۱۸؛ ابراهیم آلکلیب، مهمات علوم الحدیث، ص ۴۶.

منبع: دلبری، سیدعلی (۱۳۹۱)، آسیب شناسی فهم حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، معاونت پژوهشی، دفتر پژوهش، چاپ اول